

مردم و انتخابات ریاست جمهوری ۸۰

ارژنگ بامشاد

پنج ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری در ۱۸ خرداد ۸۰، بحث بر سر کاندیداهای ریاست جمهوری، به شکل گسترده‌ای به جریان افتاده است. در کانون این بحث، حضور یا عدم حضور خاتمی در انتخابات قرار دارد. در ۱۳ دی ماه ۷۹، یک روزنامه‌ی وابسته به تمامیت خواهان، از انصراف خاتمی خبر داد. این خبر فوراً با واکنش شدید اصلاح طلبان حکومتی روبرو شد. اما، از آن روز به این سو، بیش از پیش این بحث مطرح می‌شود که خاتمی، در کاندیدا شدن برای این انتخابات تردید یا حداقل شرط‌هایی دارد. گروهی در این رابطه می‌گویند: «آقای خاتمی برای حضور در این انتخابات شروطی دارد ولی ما حتماً او را راضی خواهیم کرد» (حیات نو-۱۹ دی ۷۹) و یا محمدرضا خاتمی در این باره می‌گوید: «خاتمی اگر بخواهد در انتخابات شرکت کند، شرایط، خط‌قرمز و حداقل‌هایی دارند که از آن کوتاه نخواهند آمد» (همان جا). این مباحث در حالی شدت گرفته است که مسئله کاندیداتوری مهاجرانی به عنوان یک احتمال در میان اصلاح طلبان در صورت عدم شرکت خاتمی مطرح شده است. محمدرضا خاتمی در مورد شایعه شرکت مهاجرانی در انتخابات گفت: «در این مورد نمی‌توان حوادث آینده را پیش بینی کرد ولی اگر ایشان شرکت کردند، صلاحیت آن‌را دارند و باید از آن استقبال کرد» (آفتاب یزد-۱۷ دی ۷۹) و در ادامه‌ای این مباحثات «حیات نو» از قول خبرنگار پارلمانی خود در ۱۹ دی ماه نوشت: «شبنه می‌شود آقای خاتمی در دیدار اخیر خود با چند تن از نمایندگان، موضوع کاندیداتوری‌اش را متنی دانسته و حاضر به هیچ گونه صحبتی در این زمینه نشده است و البته گفته می‌شد که اگر آقای خاتمی تحت فشارهایی کاندیدا نشود، احتمال می‌رود که صلاحیت کاندیدای دیگری از جبهه دوم خرداد تأیید نگردد و جناح راست با چند کاندیدا از جمله ولایتی، توکلی، جاسبی و شبانی به صحنه بیاید و در نهایت هم با رأی بسیار اندکی پیروز انتخابات شود». و در ادامه این مباحث، شورای مرکزی «مجمع روحانیون مبارز» در ۲۸ دی ماه ۷۹ به اتفاق آراء خاتمی را به عنوان کاندیدای خود برای انتخابات ۸۰ معرفی کرد.

هم‌زمان با دامن گرفتن این مباحث در میان اصلاح طلبان، تمامیت خواهان نیز فشار خود بر خاتمی برای تسلیم و یا کناره گیری از کاندیداتوری را افزایش دادند و برای شرکت در انتخابات شرط گذاشتند. حبیب‌الله عسگرآولادی مسلمان دیرکلی «جمعیت مؤتلفه اسلامی» به عنوان ستون اصلی تمامیت خواهان در اولین بقیه در صفحه ۲

«پرتوالجر» پذیرای اولین تجمع بین‌المللی قرن بیست و یکم علیه جهانی شدن نئولیبرال

روبن مارکاریان

همان‌طور که تک‌برگی راه کارگر شماره ۱۰۱ آوردم «اجلاس اجتماعی جهانی» از ۲۵ تا ۳۰ ژانویه امسال در شهر پرتو آلجر برزلی برگزار می‌شود. در این گردهمایی صدها سازمان سندیکائی، جنبش‌های گوناگون اجتماعی، نهادهای مدافع حقوق شهروندی و مدنی، تشکل‌های طرفدار محیط زیست، احزاب و سازمان‌های چپ و مترقی و نیز شخصیت‌های چپ برجسته در سطح جهانی که در یک سال گذشته در کارزارهای متعدد علیه جهانی شدن نئولیبرال سرمایه داری فعال بوده‌اند، شرکت می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که در این اجلاس حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ فعال وابسته به تشکل‌های فوق حضور یابند.

«اجلاس اجتماعی جهانی» صاعقه‌ای در آسمان بی ابر نیست. این اجلاس محصول یک سال کارزار و بسیج فشرده و موفق علیه روند نئولیبرالی جهانی شدن سرمایه داری است. نقطه عزیمت این پیکارها کارزار سیاتل علیه «سازمان تجارت جهانی» بود که اجلاس آن در شهر سیاتل آمریکا از ۲۹ نوامبر یا ۳ دسامبر ۱۹۹۹ برگزار شد. با شرکت ۸۰۰ نهاد و سازمان از سراسر جهان ۴۰ هزار نفر در پی اقدامات اعتراضی با شکوه چند روزه اجلاس «سازمان تجارت جهانی» را به شکست کشاندند و به این ترتیب راه و روش و سنت جدیدی در کارزار علیه روند جهانی شدن معاصر سرمایه داری پایه گذاری کردند. در این زمان سردمداران سرمایه جهانی تصور می‌کردند که سیاتل تک جوشی است که رو به خاموشی خواهد نهاد. اما چنین نشد. در ماه مه سال ۲۰۰۰ کارزاری مشابه کارزار سیاتل در واشنگتن در اعتراض به اجلاس مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برگزار شد. آن‌گاه کارزار به میوهی فرانسه انتقال یافت. ۴۰ هزار نفر در اعتراض به محاکمه «ژوزه بوه» رهبر سندیکای کشاورزان فرانسه و از فعالین سیاتل در شهر میوه فرانسه یک گردهم آئی اعتراضی تشکیل دادند. پس از میوه، اجلاس «گردهم آئی اقتصادی جهانی» در ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۹ در ملبورن استرالیا به کانون یک سیاتل موفق دیگری مبدل شد. پس از ملبورن بار دیگر اجلاس مشترک «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی» در پراگ، پایتخت یکی از کشورهای بلوک شرق سابق، به کانون توفنده اعتراض فعالین کارزارهای ضد سرمایه داری مبدل شد. پس از پراگ، کارزارهای ضد جهانی شدن لیبرالی در نیس در اعتراض به اجلاس سران کشورهای اتحادیه

اروپا اوج تازه‌ای یافت و جمعیتی حدود صد هزار نفر را به خیابان به عرصه مستقیم اعتراض کشاند. بدین ترتیب «اجلاس اجتماعی جهانی» با پشتوانه‌ای از کارزارهای پیاپی علیه نهادهای جهانی سرمایه داری از سیاتل تا نیس تشکیل می‌شود. قرار است این اجلاس به یک تجمع بزرگ برای همبستگی بین‌المللی میان کلیه نیروهائی که با روند جهانی شدن نئولیبرال سرمایه داری معاصر مخالف بوده و به اشکال گوناگون علیه آن به پیکار می‌کنند، مبدل شود.

چرا «پرتو آلجر»؟ «پرتو آلجر» پایتخت استان «ریوگراندهوسل» (Rio Grande do Sul) برزیل است که از مدت‌ها قبل شهردار وابسته به «حزب کارگران برزیل» در انتخابات شهرداری پیروز شده و اداره شهرداری را به عهده گرفت. شهردار پرتوالجر مفهوم جدیدی از مشارکت مردمی تحت عنوان «بودجه مشارکتی» را در این شهر به اجرا نهاد. نمایندگان منتخب مردم از مناطق گوناگون ابتدا در اجلاس «بودجه مشارکتی شورای شهر» شرکت کرده و پس از بحث و بررسی، بودجه شهرداری را بر اساس معیارهای مورد توافق اکثریت در میان مناطق مختلف تقسیم می‌کنند. پس از اختصاص بودجه به مناطق مختلف در هر منطقه نیز مجامع عمومی آزاد هر منطقه برگزار می‌شود که شرکت‌کنندگان در آن پس از مباحثه روشن می‌کنند که بودجه اختصاص داده شده به محله‌شان چگونه باید هزینه شود. در این مجامع شرکت همه ساکنان آزاد بوده و تصمیمات بر اساس مراجعه به رای اکثریت اتخاذ می‌شود. پس از روشن شدن سیاست هزینه بودجه، مسئولین مربوطه عملی کردن پروژه‌ها را شروع کرده و در مراحل مختلف به مجمع ساکنین از میزان پیشرفت کار با جزئیات کامل گزارش می‌دهند.

گزارش آکسیون‌های خارج از کشور علیه موج جدید سرکوب در ایران

در صفحات ۳ و ۴

دنباله از صفحه ۱ جنبش مردم و انتخابات ۸۰

گردهم آیی سراسری این جمعیت برای انتخابات ۸۰ با تأکید بر این که «ریاست جمهوری را باید به اهلس بسپاریم»، ضمن اعتراض به ریاست تاج‌زاده بر ستاد انتخابات ریاست جمهوری و کاهش بودجهی صداوسیما و بودجه شورای نگهبان که با افزایش ۲۰۰ درصدی روبرو بوده است، شرایط تمامیت‌خواهان برای شرکت در انتخابات را این‌گونه فرموله کرد: «مجموعه تشکلهای خطامام و رهبری روی امین بودن مسئول انتخابات، روی نظارت شورای نگهبان و روی اطلاع‌رسانی بدن تهدید صداوسیما تأکید دارد». (دوران امروز- ۲ بهمن ۷۹) و همین تهدید کافی بود تا گروهی از نمایندگان مجلس بخواهد که به بودجه صداوسیما و شورای نگهبان بدون کم‌وکاست رأی دهند. و قوه قضائیه نیز پرونده‌هایی علیه تاج‌زاده را به جریان انداخت. پیش از این نیز «جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی» ادامه ریاست جمهوری خاتمی را غیرقابل تحمل دانسته و از زبان حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی‌اش گفته بود: «لازمه‌ی پست ریاست جمهوری تمیم‌گیری محکم است که متأسفانه در خاتمی موجود نیست، لذا با وضع کنونی ریاست جمهوری ایشان فقط برای یک دوره قابل تحمل است» (آفتاب‌پزد- ۲۴ دی ماه ۷۹) و احمد جنتی سخن‌گوی شورای نگهبان در بیانی صریح‌تر این معنا را بیان داشت وقتی در نماز جمعه ۲۳ دی ماه ۷۹ تهران گفت: «تا وقتی کار به دست صالحین نیفتد، همین آس و همین کاسه است».

اما مشکل خاتمی و اصلاح‌طلبان در چیست؟ مشکل خاتمی در این است که او نه تنها نتوانسته است به وعده‌های انتخاباتی چهار سال پیش خود جامه عمل بپوشاند، بلکه مجبور شده است که سیاست مهاردوگانه برای مهار اصلاح‌طلبان رادیکال و جنبش مردمی را در پیش بگیرد. با این حال نیز تمامیت‌خواهان که به خیال خود «تین‌آن‌من اسلامی» را با موفقیت به انجام رسانده‌اند، به این حد از تسلیم راضی نیستند و او را برای کنار گذاشتن برنامه‌های‌اش و برای دم‌فروستن بر سرکوب گسترده‌تر اصلاح‌طلبان رادیکال تحت فشار قرار داده‌اند. فشاری که زرمه‌ی طرح عدم کفایت او از سوی «جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی»، ابعاد آن را نشان می‌دهد. خاتمی که زمانی در حاشیه متن اولیه استعفاء‌نامه‌ی مهاجرانی نوشته بود: «با هم آمدیم و با هم می‌رویم»، در پروسه تسلیم به تمامیت‌خواهان، با استغفای او موافقت کرد. و با حذف چهره‌های کلیدی و سیاسی کابینه‌اش حتی با داشتن اکثریت پارلمانی، به معرفی وزرای کاری و غیرسیاسی مبادرت ورزید و خط‌رفسنجانی را در تشکیل کابینه کاری در پیش گرفت. طبیعتاً در شرایطی که او مجبور به چنین اقداماتی شده، باید که دچار بحران و تردید شده باشد. زیرا او نه تنها نتوانسته است که به هدف‌های اعلام شده‌اش یعنی اصلاح رژیم در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی دست یابد، بلکه در چنبره‌ی همین قانون و تناقضات پلانفرم شکست‌خورده‌اش گرفتار آمده است تا جایی که با نگرانی از سرنوشت نظام اسلامی و با ناامیدی از سرنوشت اصلاح‌رژیم، در سخن‌رانی‌اش در معرفی وزارش می‌گوید: «هر جامعه‌ای که به مطالبات مردم پاسخ مناسب ندهد و از آن‌ها طفره

رود به سوی اضمحلال و فروپاشی پیش خواهد رفت» (دوران امروز- ۲۷ دی ماه ۷۹). و او اکنون با خطی که در پیش گرفته است، شاید به این مصداق گفته‌ی خود رسیده باشد که: «اگر روزی کسی از مسیری که بیان کرده منحرف شد، خودبخود عبور از او تحقق پیدا خواهد کرد» (همبستگی- ۲۷ مهر ۷۹)

و مردم این عبور را با در پیش گرفتن حرکت‌ها و اقدامات مستقل خود طی می‌کنند. آن‌ها به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که اصلاح این نظام با شعار «حاکمیت قانون» امری محال است. زیرا به عینه دیده‌اند و می‌بینند که هر چه اصلاح‌طلبان در بدست آوردن اهرم‌های قدرت جلوتر رفتند، به همان اندازه در اجرای وعده‌های‌شان ناتوان‌تر شدند. زیرا در این پروسه روشن شد که در جمهوری اسلامی، قدرت نه در نهادهای انتخابی از صافی شورای نگهبان گذشته، بلکه در دستگاه ولایت و مافیای قدرت تنیده به دور ولی‌فقیه، متمرکز است. و این دستگاه با قدرت تمام و به نام قانون از این قدرت دفاع می‌کند. ریختن توهم مردم از اصلاح‌طلبان رژیم، و مشاهده ناتوانی آن‌ها در مقابله با تعرضات نیروی سرکوب دستگاه ولایت که حال حتی اصلاح‌طلبان رادیکال را نیز امان نمی‌دهد، بیش از پیش مردم را به رویارویی مستقیم با دستگاه ولایت و هدف گرفتن چهارچوب‌های اساسی نظام سوق داده است. اکنون مردم دیگر به «حاکمیت قانون» نمی‌اندیشند، بلکه به شعار «حاکمیت مردم» روی می‌آورند. و از همین رو، انتخابات پیش‌رو دیگر هم چون انتخابات‌های سه دوره‌ی گذشته نخواهد بود. مردم در آن سه انتخابات نه برای حمایت از خاتمی و اصلاح‌طلبان، بلکه برای اعلام انزاع خود از قدرت نیمه‌خدائی ولی‌فقیه و دستگاه جبار او، آرای اعتراضی‌شان را به صندوق‌ها ریختند. اما آیا در انتخابات ۸۰ این شرایط می‌تواند تکرار شود؟ وضعیت کنونی نشان می‌دهد که تمامیت‌خواهان، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند که این انتخابات به چیزی کمتر و کم‌اثرتر از سه انتخابات گذشته تبدیل شود و خاتمی نیز این‌بار حاضر نیست در هیئت منتقد قدرت دستگاه ولایت وارد صحنه شود و اگر نیز به میدان رقابت آید، با پلانفرمی به شدت پائین‌تر از پلانفرم چهارسال پیش خود، وارد عرصه مبارزات انتخاباتی خواهد شد. از این رو امکان تبدیل این انتخابات به رفراندومی علیه دستگاه ولایت و اعلام انزاع و نفرت از آن به پائین‌ترین حد خود خواهد رسید. و بر این مجموعه نیز باید شدت رودروئی مردم با دستگاه جبار ولایت را افزود که ترس تمامیت‌خواهان و اصلاح‌طلبان را برانگخته است. جنبش مردمی به حدی از پیشرفت رسیده است که حالا دیگر چیزی بیش از یک انتخابات را می‌خواهد. اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که مرحله‌ی تاکتیکی‌های مستقیماً جهت‌دار توده‌ای علیه ولی‌فقیه و دستگاه ولایت یعنی بنیان‌های نظام اسلامی فرارسیده است. و این تاکتیکی‌ها، عموماً از طریق حرکت‌های مستقل توده‌ای (مستقل از ابتکار اصلاح‌طلبان حکومتی) قابل اجراست.

برای مقابله با همین رودروئی مستقیم مردم و تمامیت‌خواهان، دستگاه ولایت سرکوب‌عریان و خشن را در دستور کار خود قرار داده است. در شرایطی که دو نیروی اصلی تعیین‌کننده سمت‌وسوی جامعه، خود را برای

نبردهای قطعی‌تر آماده می‌سازند، اصلاح‌طلبان محافظه‌کار که هر روز بیشتر به خواست‌های تمامیت‌خواهان تن در می‌دهند، نه تنها نمی‌توانند برای کاندیدای خود شرط‌وشروطی بگذارند، بلکه قطعی نیست که همین تنها کاندیدای‌شان از صافی شورای نگهبان بگذرد. تکلیف دیگران و از جمله مهاجرانی که پیشاپیش روشن است. از این رو حوادث چند ماه آینده بیش از این‌که با پیشروی و شرط‌گذاری اصلاح‌طلبان حکومتی همراه باشد، با شرط‌گذاری تمامیت‌خواهان و رودروئی شدیدتر آن‌ها با جنبش مردمی رقم خواهد خورد. در چنین شرایطی، در میان اصلاح‌طلبان حکومتی چند گزینه مورد بحث و بررسی است و گرایش‌ها گوناگون درون این طیف هر یک به راهی می‌اندیشند. برخی بر این عقیده‌اند که باید با تسلیم شدن به شرایط دستگاه ولایت، یک‌دور دیگر قوه مجریه را در اختیار بگیرند. که طبیعتاً این بار بعنوان سپر تمامیت‌خواهان در برابر اقدامات رشدیابنده‌ی مردمی عمل خواهند کرد. و در این حالت نباید از نظر دور داشت که اصلاح‌طلبان کاملاً تسلیم شده به دستگاه ولایت، در دوره‌ی طوفانی که در پیش روست، سم مهلکی برای جنبش توده‌ای خواهند بود. برخی بر این عقیده‌اند که بکلی از عرصه‌های قدرت کنارکشیده و تمامیت‌خواهان را با مردم جان به لب رسیده رودرو سازند. و عده‌ای راه سومی پیشنهاد می‌کنند. آن‌ها که پیشروی جنبش مردمی را مشاهده می‌کنند، در این تلاشند که انتخابات ۸۰ را به رفراندومی در حمایت از اصلاحات و خاتمی تبدیل کرده و از این طریق مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و با این شعار نیز فشاری را بر تمامیت‌خواهان وارد سازند. آن‌ها بر این باورند که از این طریق خواهند توانست به تغییراتی در ساختار قدرت دست یابند تا راه پیشروی اصلاحات هموار گردد. این راه سوم هم‌اکنون از سوی عناصری از اصلاح‌طلبان رادیکال، با احتیاط در پیش گرفته شده است که با سرکوب شدید تمامیت‌خواهان و انتقاد بی‌رحمانه اصلاح‌طلبان محافظه‌کار روبرو گشته است.

در چنین شرایطی، آن‌چه که جنبش انقلابی و مردمی باید مد نظر داشته باشد این است که از یک‌سو، تعرض تمامیت‌خواهان را با شکست مواجه سازد، و برای این‌کار ضمن تأکید بر اولویت سازماندهی اقدامات گسترده، سراسری، مستقل و مستقیم توده‌ای، به افشای بی‌امان تسلیم‌طلبی اصلاح‌طلبان محافظه‌کار همت گمارد. و از دیگر سو، حال که اصلاح‌طلبان رادیکال، شعار رفراندوم را مطرح می‌سازند، آن‌ها را زیر فشار بگذارد که با صراحت، خواهان رفراندوم برای تغییر قانون اساسی رژیم و بنیان‌های آن یعنی اصل ولایت فقیه و ادغام دین و دولت شوند. روشن است که رفراندوم برای تغییر قانون اساسی رژیم در توازن قوای کنونی در میان بالایی‌ها شدنی نیست، اما همین شعار اگر از سوی اصلاح‌طلبان رادیکال مطرح شود، می‌تواند دستگاه ولایت را بیش از پیش در مقابل مردم قرار داده و به حالت تدافعی بکشاند و زمینه‌ی بسیج جنبش توده‌ای را فراهم آورد.

تحصن اعتراضی در برلن

از ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۱-۳ بهمن ۷۹ به دعوت «کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلن»؛ «کمیته دفاع از جنبش اعتراضی و آزادی خواهی مردم ایران»؛ «کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران-برلن» تحصنی با شرکت بیش از صد نفر در خانه‌ی دموکراسی و حقوق بشر در برلن برگزار شد. در اطلاعیه فراخوان این تحصن آمده بود: «دادگاه فرامایشی متهمان "کنفرانس برلین" با صدور احکام شدیدی که برای ناظران آشنا به قضاوت فرمایشی رژیم نیز قابل تصور نبود به انجام رسید و بار دیگر نشان داد که با رژیم جمهوری اسلامی امکان کوچک‌ترین تغییر آزادی خواهانه‌ای در جامعه وجود ندارد. بنا به حکم این دادگاه: - اکبر گنجی به ۱۰ سال زندان و ۵ سال تبعید - علی افشاری به ۵ سال زندان - عزت‌الله سبحانی به ۴ سال و نیم زندان - مهرانگیز کار به ۴ سال زندان - شهلا لاهیجی به ۴ سال زندان - سعید صدر مترجم سفارت آلمان در تهران به ۱۰ سال زندان و خلیل رستم خانی مترجم آزاد به ۹ سال زندان محکوم شده‌اند. این دو مترجم که در "کنفرانس برلین" حضور نداشتند، نیز شامل حکم بیدادگاه "عدل جمهوری اسلامی" شدند. دستگیری روزنامه نگاران و وکلای دادگستری و تعقیب دانشجویان و زنان و روشنفکران و حکم "تأدیب" مجلس جمهوری اسلامی پیش درآمدی بر نمایش دادگاه‌های جمهوری اسلامی بود. دادگاه "کنفرانس برلین" با اتهامات واهی برای محکومیت معترضان و دادگاه غیرعلنی متهمان به قتل‌های سیاسی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای برای برائت مسئولان اصلی این جنایات.)) و سپس افزوده بود: «ما با درک مرحله حساس امروز جامعه همه آزادی خواهان را برای: -اعتراض به احکام صادره در مورد شرکت کنندگان کنفرانس برلین؛ -اعتراض به نحوه بررسی پرونده‌های قتل‌های زنجیره‌ای؛ -اعتراض به احکام اعدام و سنگسار؛ -اعتراض به حجاب اجباری؛ و -حمایت از تحصن کارگران در مقابل مجلس و خواست‌های معلمان؛

فرامی‌خوانیم که به تحصن اعتراضی چند روزه ما بپیوندند».

این تحصن با استقبال زیادی روبرو شد و خبر برگزاری آن از رسانه‌های فارسی زبان و تلویزیون‌های محلی و سراسری آلمان به طور وسیع انتشار یافت. موجی از اعلامیه‌های حمایتی از این تحصن، از سوی سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های دموکراتیک و نیروهای آزادی خواه، باعث پشت گرمی برگزارکنندگان گشته و نشان داد همبستگی مبارزاتی برای افشاء سرکوب‌گری‌های رژیم جمهوری اسلامی، بیش از پیش رو به گسترش است. در دومین روز این تحصن یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار گردید که متن اطلاعیه این تحصن در زیر آورده می‌شود. این تحصن به مدت سه روز ادامه داشت.

اطلاعیه کنفرانس مطبوعاتی

تحصن سه روزه ایرانیان آزاداندیش مقیم برلن وارد دومین روز خود شد. ساعت ۱۲ کنفرانس مطبوعاتی برگزار گردید. شرکت کنندگان در کنفرانس مطبوعاتی علاوه بر برگزار کنندگان عبارت بودند: ۱- خانم کارین هوفمن از حزب سوسیالیست‌های دموکرات آلمان؛ ۲- الکه نیز چلیک، از طرف مرکز ضد تبعیض؛ ۳- آقای ولفگانگ ویلاند، نماینده فراکسیون حزب سبزها و وکیل شاکیان خصوصی دادگاه میگونوس؛ ۴- خانواده قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای (آقایان مختاری و پوینده)؛ ۵- آقای اسدیان از طرف کانون نویسندگان ایران در تبعید؛ در ابتدا آقای کامیز روستا جلسه را افتتاح کرد. در ادامه آقای حشمت رئیس، یکی از سخنویان متخصصین، اعلام کرد که قوانین خشونت‌بار، به دست نیروهای خشونت طلب طی ۲۱ سال اخیر، فاجعه آفرینی‌های عظیمی بوجود آورده است. موج جدید سرکوب‌ها، بویژه محاکمه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، به قصد تصفیه حساب‌های سیاسی، ابعاد تازه‌ای یافته و افکار عمومی را سخت نگران کرده است. آقای رئیس در ادامه، تأکید داشت که حامیان این جنبش اعتراضی، تنها به ندای وجدانی و اخلاقی خود عمل کرده و اعلام حمایت نموده‌اند. آقای نوذری نماینده کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلین گفت: در ادامه سرکوب‌ها، دو دادگاه مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای و شرکت کنندگان در کنفرانس نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی دست از سرکوب آزاداندیشان و حمایت از جنایت‌کاران و تروریست‌های دولتی برنمی‌دارد و دولت آلمان بنا به مسئولیت خود در قبال حقوق بشر، وظیفه دارد به رژیم جمهوری اسلامی اعتراض کند و تن به سازش‌های غیراصولی ندهد. خانم سهیلا مسافر نماینده کمیته دفاع از زندانیان سیاسی، گفت خواست‌های این تحصن را برمی‌شماریم و تأکید می‌نماییم که باید سفر آقایان شرودر صدراعظم و تی‌برزه، رئیس پارلمان آلمان به ایران بعنوان اعتراض به سرکوب مردم در ایران لغو شود. پس از آن که نمایندگان احزاب و مجامع دموکراتیک و مدافع حقوق بشر، حمایت خود را اعلام داشتند، خبرنگار تلویزیون دولتی آلمان، (ARD) در مورد سفرهای آقای شرودر و تی‌برزه سؤال کرد. به او پاسخ داده شد که این سفرها، چنان چه عملی شود معنائی جز آن ندارد که دولت آلمان نوعی تأیید اخلاقی و دیپلماتیک بر سرکوب‌های اخیر می‌گذارد. آقای یزدی از خبرگزاری برلین زایتونگ، از آقای ولفگانگ ویلاند سؤال نمود که با توجه به این که ماشین دیپلماسی آلمان، در اختیار حزب سبزها، یعنی حزب شماست، آیا این دیپلماسی به معنای پایمال کـــردن ارزش حزب در مقابل بقیه در صفحه ۴

گزارش آکسیون‌های خارج از کشور علیه موج جدید سرکوب در ایران

استکهلم

گزارش تظاهرات ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱

پس از اعلام صدور احکام محکومیت "متهمین به شرکت در کنفرانس برلین"؛ کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران" در استکهلم، از فعالین سیاسی-اجتماعی در شهر استکهلم، ایرانیان آزادی خواه مقیم این شهر را دعوت به برگزاری تظاهراتی در اعتراض به تداوم سرکوب و خفقان در ایران، با خواست آزادی بی قید و شرط محکومین بی دادگاه‌های زنجیره‌ای (متهم به شرکت در کنفرانس برلین)، و کلیه زندانیان سیای ایران نمود.

این تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه ۲۰ ژانویه، در مرکز شهر استکهلم دور میدان مشرف بر پارلمان سوئد، با شرکت چند صد نفر ایرانیان آزادی خواه و یک نفر از اعضای رهبری حزب چپ سوئد (Lars Ohly) و سخنرانی یک نماینده پارلمان سوئد از حزب چپ (Kalle Larsson) و سخنرانی‌های دیگر برگزار شد.

این تظاهرات، با پخش موسیقی، پخش اطلاعیه به زبان سوئدی و ایراد سخنرانی‌های مورد توجه و حمایت مردم قرار گرفت. بعلاوه کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران ضمن ارسال نامه‌ای به نمایندگان پارلمان سوئد، و بنیادهای مدافع حقوق بشر و انسان دوست، از آنان جهت تحقق خواست‌های تظاهرات، تقاضای مساعد و همکاری نموده است.

"کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران"، ضمن ارسال پیام به متحصنین در برلین، و اعلام حمایت و پشتیبانی از آنان، پس از برگزاری تظاهرات، هم چنان به فعالیت‌های خویش در رابطه به خواست‌های اعلام شده ادامه خواهد داد.

کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران" استکهلم

دنباله از صفحه ۳ تحصن اعتراضی برلین

فراوردهای اقتصادی نیست؟ آقای ولنگانگ ویلاند پاسخ داد که مخالف این دیپلماسی می‌باشد و معتقد است که این دیپلماسی، به سود مردم ایران، با اصول حقوق بشر و دیگر ارزش‌های حزب سبزها، نخواهد بود. خانم مسیح، از طرف تلویزیون ایرانیان، از آقای ویلاند سؤال نمود که با توجه به روی دادهای خشونت‌بار در ایران و سکوت اصلاح طلبان، حزب سبزها و موسسه فرهنگی هاینریش بل که پیوندهای عمیقی با حزب سبزها دارد، چه اقدامات عملی در مقابل موج اخیر سرکوب‌ها، بویژه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین اتخاذ کرده است. آقای ویلاند پاسخ داد که ما با حساسیت تمام این حوادث را دنبال می‌کنیم و حزب ما نمی‌تواند در مقابل سرکوب‌گری‌های اخیر در ایران بی تفاوت باقی بماند.

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلین
کمیته دفاع از جنبش اعتراضی و آزادی خواهی مردم ایران
کانون پناهندگان سیاسی ایران- برلین

هلند

شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۱

را به روز حمایت از مبارزات مردم ایران و

اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی تبدیل کنیم! هموطنان آزادیخواه!

پس از گذشت بیش از دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، کماکان شکنجه و قتل و غارت مردم ادامه دارد.

در ماههای اخیر، نقض حقوق بشر در کشور ما ابعاد کم سابقه‌ای به خود گرفته است. دادگاهی نمایشی زیر عنوان "دادگاه متهمین قتل‌های زنجیره‌ای" ترتیب داده شده است که هدف آن پایمال کردن خون قربانیان این قتل‌ها، مسخ حقیقت و مصونیت آمرین و عاملین اصلی این قتل‌ها و طراحان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ است، تا اینان باز آزادانه در تدارک جنایات دیگری باشند.

شمار بسیاری از دانشجویان، کارگران و زحمتکشان، روزنامه نگاران و دگراندیشان به "جرم" آزادیخواهی و در دفاع از حقوق انسانی و عدالت اجتماعی، در سیاه چال‌های رژیم گرفتار آمده اند که نشان از موج جدید سرکوب و اختناق را دارد.

مردم ما بارها اعتراض خود را آشکارا به دو دهه استبداد، ستم و تباهی نشان داده اند. آنها حکومت اسلامی را مسبب تمامی این فجایع می‌دانند و خواستار استقرار آزادی، برپایی عدالت اجتماعی و رفع تبعیض از تمامی شئون زندگی شان هستند.

بیاییم هم صف و هم صدا به حمایت از مبارزات مردم کشورمان برای آزادی و داد خواهی، علیه جنایات جمهوری اسلامی به پا خیزیم.

تاریخ: شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۱

محل تجمع: مقابل پارلمان هلند در دنهاخ (راهپیمایی به سمت ایستگاه قطار مرکزی) ساعت ۱۲ ظهر سخنرانی: در سالن همین ایستگاه، ساعت ۱۳،۳۰

اسامی امضاء کنندگان این فراخوان:

- سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - هلند
- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - واحد هلند
- حزب توده ایران - واحد هلند
- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - واحد هلند
- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحد هلند
- کانون زندانیان سیاسی ایران - هلند
- سخنرانی و مناظره پیرامون
- اوضاع سیاسی ایران و تحلیل از حاکمیت جمهوری اسلامی

سخنرانان:

- ع. آشتیانی (سازمان اتحاد فدائیان کمونیست)
- فریدون ابراهیمی (حزب توده ایران)
- ارژنگ بامشاد (سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر)
- بهزاد کریمی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
- پرویز نویدی (سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران)

ونکوور کانادا

شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۱

آکسیونی در حمایت از مبارزات مردم ایران برگزار می‌شود

همان طور که مطلع هستید در هفته های اخیر موج سرکوب در ایران شدت دوباره ای گرفته است. صدور احکام بربرمنشانه سنگ سار و قصاص، تدارک و اجرای تدریجی احکام اعدام صدها تن از قربانیان نظم اجتماعی - اقتصادی موجود، بی توجهی به حقوق حقه کارگران و معلمان، آزار و بازداشت گسترده جوانان و زنان بدلیل عدم رعایت "شئونات اسلامی"، راه اندازی خیمه شب بازی موسوم به دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای و بالاخره صدور احکام قرون وسطایی علیه شرکت کنندگان کنفرانس برلین همگی نشانه‌های بارز این یورش فاشیستی جدید محسوب می‌شوند. بدین خاطر ما جمعی از فعالین تشکل‌های مخالف کلیت رژیم اسلامی و شخصیت‌های مستقل، تصمیم گرفتیم همدوش با سایر ایرانیان آزادی خواه در گوشه و کنار جهان با برپایی یک آکسیون در ونکوور ضمن افشای جمهوری اسلامی ایران، صدای حق طلبی مردم کشورمان را در مقیاسی بین المللی پژواک دهیم.

زمان: شنبه ۲۷ ژانویه - ساعت ۴ بعد از ظهر مکان: داون تاون ونکوور، تقاطع خیابان‌های رایسون و هورنسی، مقابل آرت گالری

کمیته اقدام برای حمایت از مبارزات مردم ایران - ونکوور (کانادا)
تلفن اطلاعات: ۶۸۸۹۰۱۹
۲۷ ژانویه ۲۰۰۱

کمک‌های مالی	
داوود	۵۰۰ فرانک،
IF	۱۲۵۰ فرانک؛
حسین قاضی	۵۰ فرانک؛
علی اصغر قدیری	۵۰ فرانک

«راه کارگر الکترونیکی»

صفحه سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر) با شکل و محتوای جدید!

از صفحه سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) در اینسترننت دیدن کنید